

خودزنی رسانه‌هایی آمریکایی در تقابل با غول‌های فضای مجازی

چگونه رسانه‌ها به وسیله ساخت واقعیت، مخاطبان خود را بازیچه قرار می‌دهند؟

اخیراً مطبوعات و خبرگزاری‌ها، بسیار پرکار بوده‌اند؛ همان حامیان دموکراسی که به آن فخر می‌فروشیم و به اندازه یک دسته اوباش، مستقل بوده و فقط با دشمنان نشان، مهربان و باادب هستند. به طور مشخص، سه قربانی هدف ضربه اخیر این خبرگزاری‌ها بوده‌اند: ایلان ماسک^۸ میلیاردر، مجری فاکس نیوز،^۹ تاکر کارلسون^{۱۰} و مالک حساب توئیتری مشهور «Libs of TikTok» به نام چایا رایچیک^{۱۱}. در طول چند ماه اخیر، واشنگتن پست^{۱۲}، نیویورک تایمز^{۱۳}، بیزنس اینسایدر^{۱۴} و سایر خبرگزاری‌ها، برای بدنامی و حذف این افراد، پیشگام بوده‌اند، آن‌هم ظاهراً به دلیل تهدیدی که آن‌ها برای دموکراسی ایجاد می‌کنند؛ اما جرم حقیقی آنان، به چالش کشیدن قدرت و افسانه‌های نظم سیاسی تثبیت شده و به دنبال آن، خواسته یا ناخواسته، اعلام جنگ علیه آن بوده است.

اخیراً مطبوعات و خبرگزاری‌ها، بسیار پرکار بوده‌اند؛ همان حامیان دموکراسی که به آن فخر می‌فروشیم و به اندازه یک دسته اوباش، مستقل بوده و فقط با دشمنان نشان، مهربان و باادب هستند. به طور مشخص، سه قربانی هدف ضربه اخیر این خبرگزاری‌ها بوده‌اند: ایلان ماسک^۱ میلیاردر، مجری فاکس نیوز،^۲ تاکر کارلسون^۳ و مالک حساب توئیتری مشهور «Libs of TikTok» به نام چایا رایچیک^۴. در طول چند ماه اخیر، واشنگتن پست^۵، نیویورک تایمز^۶، بیزنس اینسایدر^۷ و سایر خبرگزاری‌ها، برای بدنامی و حذف این افراد، پیشگام بوده‌اند، آن‌هم ظاهراً به دلیل تهدیدی که آن‌ها برای دموکراسی ایجاد می‌کنند؛ اما جرم حقیقی آنان، به چالش کشیدن قدرت و افسانه‌های نظم سیاسی تثبیت شده و به دنبال آن، خواسته یا ناخواسته، اعلام جنگ علیه آن بوده است.

8. Elon Musk
9. Fox News
10. Tucker Carlson
11. Chaya Raichik
12. The Washington Post
13. The New York Times
14. Business Insider

1. Elon Musk
2. Fox News
3. Tucker Carlson
4. Chaya Raichik
5. The Washington Post
6. The New York Times
7. Business Insider

علیه آن بوده است. بعد از اینکه اوایل ماه آوریل، ایلان ماسک برای خرید توییترا اقدام کرد، اینسایدر به جعل یک شایعه رسوایی کمک کرد و او را به رفتار ناشایست جنسی متهم نمود. در سوی دیگر، نیویورک تایمز، این‌گونه نتیجه‌گیری کرد: «اینکه ایلان ماسک به‌عنوان یک سفیدپوست، در نظام نژادپرست آپارتاید آفریقای جنوبی بزرگ شده، ممکن است شخصیت او را طوری شکل داده باشد که احتمالاً برای ریاست بر شرکتی مانند توییترا مناسب نباشد». واشنگتن پست، برنامه‌های او را برای کاهش سانسور در این بستر فضای مجازی، تقبیح کرده و «برخی اتهامات رانسبت به وقوع حوادثی که متضمن نژادپرستی و مسائل جنسی در تسلا» بوده، مطرح کرده است.

نویسنده مقاله نیویورک تایمز و مدیرعامل اجرایی سابق ردیت^۲، الن پاو^۳ این‌گونه می‌گوید: «انتساب ماسک در هیئت مدیره توییترا، نشان می‌دهد که ما، به ضوابطی

1. Tesla
2. Reddit
3. K. Pao

برای بسترهای شبکه‌های اجتماعی نیازمند هستیم تا بتوانیم از اینکه افراد ثروتمند، کنترل کانال‌های ارتباطی مان را به دست بگیرند، جلوگیری کنیم.» البته پاو در روزنامه‌ای قلم می‌زند که مالک آن، میلیارد شرکت آمازون،^۴ جف بیزوس^۵ است. درحالی‌که ماسک، فرد مستقل و تک‌روی است که از اختلال نقض توجه و بیش‌فعالی نیز رنج می‌برد، اما بیزوس در دسته ثروتمندان، چیزی شبیه به یک تقلیدکننده و کسی است که می‌خواهد مانند لکس لوتر^۶ باشد. به یاد بیاورید که آمازون سال گذشته، اپلیکیشن شبکه‌های اجتماعی به نام پارلر^۷ را از سرویس‌های تحت وب خود کنار گذاشت که احتمالاً به دلیل نقش آن در تسهیل آشوب ششم ژانویه، در کنگره آمریکا بود. طبق گزارش آسوشیتدپرس^۸، پارلر در زمان قطع خدماتش، به

4. Amazon
5. Jeff Bezos
6. Lex Luthor
7. Parler
8. Associated Press

اپلیکیشن شماره یک بدون محدودیت در گوشی‌های آیفون، تبدیل شده بود، آن هم بعد از اینکه فیس‌بوک، توییترا و سایر برنامه‌ها، حساب‌های رئیس‌جمهور وقت، دونالد ترامپ^۹ را مسدود کرده بودند. به علاوه، آمازون یکی از پنج شرکت در کنار مایکروسافت^{۱۰}، گوگل^{۱۱}، اورکل^{۱۲} و آی‌بی‌ام^{۱۳} است که اخیراً پیشنهاد همکاری برای ارائه سرویس ابری به سازمان سیا^{۱۴} را دریافت کرده است. به عبارت ساده‌تر، کشتی تمرکززدا شده قدرت که پاو، آن را طلب می‌کند، مدت‌ها پیش حرکت خود را با پرچم جرگه سالارانی همچون بیزوس، آغاز کرده است.

واشنگتن پست در اواخر ماه آوریل، هدف بعدی خود را یافت؛ حساب توییترا چایا راجیک، کسی که تا قبل از اینکه توسط این روزنامه، هم‌جنس‌گرا اعلام شود،

9. Donald Trump
10. Microsoft
11. Google
12. Oracle
13. IBM
14. Central Intelligence Agency

ترجیح داده بود تا مالکیتش برای این حساب، ناشناس باقی بماند. حساب توئیتری «Libs of TikTok»، توانست صرفاً با به اشتراک گذاشتن ویدئوها و تصاویری که لیبرال‌ها از طریق شبکه اجتماعی تیک‌تاک،^۱ بارگذاری کرده بودند، دنبال کننده‌های بی‌شماری را جذب خود کند. این محتواها، عمدتاً دربردارنده مضامینی در حمایت از تفکر هم‌جنس‌گراها^۲ است که مفتخرند، کودکان را بدون اجازه یا آگاهی والدینشان، با دیدگاه‌های اصلی درباره جنسیت و مسائل جنسی آشنا می‌کنند. این رویکرد که مبتنی بر نگرش قرار دادن آیین‌های جنسی و انحراف و نشان دادن آن به دیگران است، در پویا ساختن مخالفت عموم مردم، بسیار تأثیرگذار بوده است، زیرا به دشمنان، احترام و ارج بخشیده و آن‌ها را قادر کرده تا خودشان درباره اعتقادات و اهدافشان سخن بگویند. موفقیت حساب توئیتری «Libs of TikTok»، موجب جلب توجه تیلور لورنز،^۳ ستون نگار واشنگتن پست شد.

لورنز در مقاله‌ای، نام چایا رایچیک را برای میلیون‌ها نفر افشا کرد. او با وب‌سایتی مرتبط شد که آدرس و کارفرمای رایچیک را نشان می‌داد و همچنین، در خانه‌ای که به یکی از خویشاوندان رایچیک متعلق بود، حاضر شد. لورنز، مقاله‌ای به‌عنوان زمین زدن اخلاق مدار شخصیتی که جامعه هم‌جنس‌گراها، دو جنس‌گرا و مانند آن‌ها^۴ را به خطر می‌اندازد، تدوین کرد که عنوان مقاله «منتخب سردبیر» واشنگتن پست را گرفت. واشنگتن پست، وانمود کرد که یک قدر را به زمین زده، اما بسیاری از آمریکایی‌ها، فقط یک روزنامه مهم را دیدند که اطلاعات خصوصی و هویتی کسی را افشا کرده که به اولویت‌های فکری سردبیران تاخته است. زمانی که واکنش‌های شدید پدیدار شدند، سردبیر ارشد واشنگتن پست، کامرون بار^۵ در یک اظهار نظر، مدعی شد که هیچ‌یک از موارد مطروحه درباره گزارش لورنز، خارج از چارچوب استانداردهای روزنامه‌نگاری نبوده است. او افزود: «ما هیچ

قسمتی از زندگی خصوصی او را منتشر نکرده یا با آن مرتبط نشده‌ایم.» با وجود این، اگر این مسئله درست باشد، واشنگتن پست، بی‌سروصدا لینک وب‌سایتی را که حاوی اطلاعاتی درباره زندگی شخصی رایچیک بود، قبل از این اظهار نظر پاک نمی‌کرد، همان‌گونه که وی یک ماشین^۶، وقوع آن را اثبات می‌کند. هم‌زمان با وقوع جنجال واشنگتن پست، نیویورک تایمز در ۳۰ آوریل، مجموعه‌ای سه‌قسمتی با عنوان «ملی‌گرای آمریکایی»^۷ را درباره تاکر کارلسون منتشر کرد؛ این مجموعه، یک نوشته طولانی و اهریمن‌ساز نزدیک به ۲۰۰۰۰ کلمه‌ای است که صعود کارلسون را به صدر رتبه‌بندی شبکه‌های کابلی اخبار را دنبال کرده و برای خوانندگان نیویورک تایمز، اطلاعات بیوگرافی به‌منظور تحلیل روانی با فراغ‌بال را فراهم ساخت. ستون‌نویس رسانه خبری ام‌اس‌ان بی‌سی^۸، لیز پلانک،^۹ این‌گونه توئیست زد: «مادر تاکر او را در کودکی ترک کرده و از

6. Wayback Machine
 7. American Nationalist
 8. MSNBC
 9. Liz Plank

4. LGBTQ+
 5. Cameron Barr

1. TikTok
 2. LGBT
 3. Taylor Lorenz



روی کینه جویی، هنگام مرگش فقط یک دلار برایش باقی گذاشته است»؛ «یک داستان مخرب، اما شوروانه برای مردی که مصمم است، هر کاری انجام دهد تا احساس مهم بودن کند». بعد از اینکه این مقاله نتیجه بخش نبود، نیویورک تایمز، تلاش کرد تا کارلسون را به دلیل تیراندازی دسته جمعی ۱۴ می، در شهر بوفالو^۱ نیویورک سرزنش کند. مظنون، کسی که در فضای سیاسی، خود را در جبهه «چپ اقتدارگرای تقریباً میانه رو» قرار داده بود، در یک نوشته ۱۸۰ کلمه‌ای، به ایده‌ای از جایگزینی

1. Buffalo

جمعیتی اشاره کرده بود که در طی آن، مهاجران جای سفیدهای آمریکا را می‌گیرند. پس از حادثه تیراندازی، نیویورک تایمز گزارش داد: هیچ چهره عمومی با سروصدا و بی‌رحمی، بیشتر از مجری فاکس نیوز، تارک کارلسون از نظریه جایگزینی حمایت نکرده است؛ کسی که از زمان حضورش در سال ۲۰۱۶ در برنامه‌ای -که در ساعات پربیننده فاکس پخش می‌شد- تغییر جمعیتی تحت هدایت بزرگان ذی نفوذ را به موضوع اصلی برنامه خود، تبدیل کرده است. البته آن حمله نیز موفق نبود، آن هم به این دلیل که هیچ

گروهی علنی تر از حزب دموکرات و متحدان رسانه‌ای لیبرال‌ش از ایده پیروزی از طریق جمعیت‌شناسی، حمایت و استقبال نکرده است. به عنوان مثال، ستون نویس نیویورک تایمز، میشل گولدبرگ^۲ در سال ۲۰۱۸، مقاله‌ای با عنوان «ما می‌توانیم جایگزین آن‌ها بشویم»^۳، منتشر کرد. گولدبرگ معتقد بود که «آمریکا در حال فروپاشی و نابودی است، زیرا یک اقلیت سفید محافظه‌کار ناخرسند که به قدرت چسبیده، به دلیل غرق شدن در یک اکثریت چندنژاده و چندزبانه، وحشت زده شده است» و در ضمن، مدعی

2. Michelle Goldberg
3. We Can Replace Them

شد که تنها افراط‌گرایان نژادی با موضع او مخالفت خواهند کرد؛ که البته این اتفاق می‌افتد تا اجماع صاحبان لیبرال قدرت را منعکس کند. این امر، دلیل واقعی آن است که چرا کارلسون، در کنار ماسک و رایچیک، خشم مطبوعات و خبرگزاری‌ها را برانگیخته‌اند؟ وجه مشترک این گروه سه نفره ناهمسان، این است که همه آن‌ها در برابر مخاطبان و بینندگان متعدد، اظهاراتی داشته و کارهایی انجام داده‌اند که برخی از ابعاد آن، اجماع بزرگان ذی نفوذ بوده که در نتیجه، قدرت طبقه حاکم را سست و تضعیف می‌کند.

اول: توییتر، صرفاً یک کمپانی نیست، بلکه ابزاری برای کنترل اطلاعات و ایجاد نگرش‌های عموم مردم، در قبال مسائل روزمره است. همچنین، این بستر ارتباط نزدیکی با نهادهای فراملی، همچون ناتو^۱ دارد. توییتر برخی حساب‌ها را به دلیل «تضعیف ایمان به ائتلاف ناتو و ثبات آن»، مسدود کرده است. تلاش‌های ایلان ماسک برای خصوصی‌سازی توییتر، تهدیدی برای کنترل اذهان میلیون‌ها انسان است.

دوم: حساب «Libs of TikTok»، چهره زشت دیدگاه‌ترا جنسیتی را افشا کرد که اساساً روابط میان فرد و بدن، والدین و فرزندان و در نهایت، خانواده‌ها و حکومت را بازتعریف می‌کند. این نگرش که مسائل جنسی و جنسیت از یکدیگر منفک هستند، مستلزم تسلیم در برابر نه تنها یک دروغ، بلکه یک روحانیت جدید متشکل از مددکاران اجتماعی، کارمندان اداری و «متخصصانی» است که نامه‌ها و دستورات پاپ به آن‌ها، روش استفاده از زبان و چگونگی تعامل والدین با فرزندان را وقتی تحت تأثیر سردرگمی جنسیتی قرار بگیرند، شکل می‌دهد. «توانمندسازی»، دیدگاهی که توسط آزادی جنسی افراد تصدیق می‌شود، همیشه در عمل، موجب قدرت گرفتن حکومت خواهد شد.

سوم: مشکل بزرگان قدرت با کارلسون، این است که او همیشه پیامی خصمانه و مخالف درباره نظم سیاسی تثبیت شده به عموم مردم منتقل می‌کند؛ از مخالفت او با مهاجرت گسترده گرفته تا ضدیت با سازوکار مداخله دولت در امور اقتصادی. درباره میزان

مخاطبان گسترده جمهوری خواه او، همین بس که داده‌هایی را که اخیراً شرکت نیلسون^۲ منتشر کرده است، نشان می‌دهد. برنامه او در صدر برنامه‌های خبرگزاری‌های کابلی، در میان دموکرات‌های ۲۵-۵۴ ساله است. به بیان دیگر، بسیاری از جوانان دموکرات، بیشتر ترجیح می‌دهند تا در ساعات پربیننده، فاکس نیوز را تماشا کنند تا سی‌ان‌ان^۳ یا ام‌اس‌ان‌بی‌سی. در حالی که نیویورک تایمز در حمایت از هیئت اطلاعات نادرست^۴ وزارت امنیت میهن^۵ آمریکا - که البته در حال حاضر منحل شده است - مطلب می‌نوشت، کارلسون شدیداً از این مجموعه، رئیس آن و همچنین، اهداف او رولی گونه‌اش انتقاد کرد. به لطف پوشش خبری کارلسون، «وزارت حقیقت^۶»، آن‌گونه که توسط برخی لقب گرفت با موفقیت، کنار گذاشته شد (اگرچه یقیناً در یک شکل دیگر باز خواهد گشت).

راه مناسب برای درک نقش رسانه که تلاش می‌کند، مخاطبان را

2. Nielsen MRI Fusion
 3. CNN
 4. Disinformation Board
 5. Homeland Security
 6. Truth Ministry

1. North Atlantic Treaty Organization



شیفته خود سازد و به دشمنان حکومت حمله کند، دیدگاه مورخ آلمانی، اسوالد اشپنگلر است. اشپنگلر در کتاب «افول غرب آ» درباره عصر مدرن نوشت: بشر با بشر سخن نمی گوید؛ رسانه و شریک آن سرویس خبری مجازی، همه روزه و همه ساله، آگاهی بیدارکننده کل مردم و قازه‌ها را هدف شلیکی مداوم و کرکننده از نوشته‌ها، تکیه کلام‌ها، نقطه نظرات، صحنه‌ها و احساسات، نگه می دارند تا بدین وسیله، نفوس انسان‌ها به تابعی از یک موجود عقلانی اهریمنی تبدیل شود. مدت‌ها قبل از اینکه ادوارد هرمن^۳ و نوآم چامسکی،^۴ کتاب «تولید رضایت»^۵ را منتشر کنند، اشپنگلر، قدرت رسانه برای به برده گرفتن افکار عمومی و بسیج توده‌ها علیه دشمنان رهبران را درک کرده بود؛ اگرچه فناوری تغییر کرده است، اما نظریه اشپنگلر، همچنان صادق است. همان طور که اشپنگلر مطرح می کند، کمپین خبری، جنگی است که باهدف غیرممکن

نقشی بازی کند.» براساس نظر اشپنگلر، رسانه‌ها در نهایت، آتش یک آشوب علیه خود را شعله‌ور کردند. انزجاری که رسانه‌ها با روایت‌های جعلی القاء می کنند، مردم را در جایگاه مخالف آن‌ها، قرار داده است. در نهایت، هر زمانی که رسانه تلاش کند تا دشمنی را به زمین بزند، فقط در کاشتن بذر پایان دادن به نظامی که از آن نمایندگی می کند، در خاک دموکراسی - که منحرفش کرده است - موفق خواهد بود. مترجم: هادی قربانیار

ساختن دستیابی افراد به «انفصال درونی» لازم برای دیدن جهان با چشم‌های شفاف، طراحی شده است. حقیقت، صرفاً آن چیزی می شود که توده مردم، همواره می خوانند و می شنوند؛ به بیان دیگر، همان چیزی که رسانه از طریق ارگان‌های دیجیتال و مکتوب خود مدنظر دارد. اشپنگلر نوشت: «رسانه امروز لشکری است با سلاح‌های به خوبی سازمان دهی شده که خبرنگاران، افسران آن و خوانندگان، سربازانش هستند.» «خواننده نه می داند و نه قرار است که بداند برای چه اهدافی از او استفاده شده و قرار است، چه

1. Oswald Spengler
2. The Decline of the West
3. Edward Herman
4. Noam Chomsky
5. Manufacturing Consent